

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی سرقت تعزیری و تطبیق آن با حقوق مصر

تالیف

خیر علی نورالله پور ارچی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: نورالله پورارچی، خیرعلی، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی سرقت تعزیری و تطبیق آن با حقوق مصر / تالیف خیرعلی نورالله پورارچی .
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶ .
مشخصات ظاهری	: ۱۰۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۹۹-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: دزدی -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: Larceny -- Law and legislation -- Iran
موضوع	: دزدی -- قوانین و مقررات -- مصر
موضوع	: Larceny -- Law and legislation -- Egypt
موضوع	: حقوق تطبیقی
موضوع	: Comparative law
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ن ۷ ص ۴/۴ KM4۲۳۳۴
رده بندی دیویی	: ۵۵۰.۲۶۲/۳۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۸۹۵۱۶

انتشارات قانون یار

بررسی سرقت تعزیری و تطبیق آن با حقوق مصر

تألیف: خیرعلی نورالله پور ارچی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۹۹-۲

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (جراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۹.....	فصل اول
۹.....	کلیات، بیان مفاهیم.....
۳۷.....	فصل دوم
۳۷.....	تحولات مفهوم سرقت تعزیردر عرصه سرقت سایبری.....
۵۷.....	فصل سوم
۵۷.....	تمایز سرقت سایبری در عرصه قانونگذاری جدید در باب تعزیر.....
۱۰۴.....	منابع و ماخذ
۱۰۴.....	منابع فارسی.....

مقدمه

تمامی سیستم های مترقی، اقتدار دستگاه قضایی در احقاق حقوق اشخاص را نشان حق محوری آن نظام می دانند. نظام دادرسی یک حکومت اگر به تشکیلات مستحکم دست یابد به نحوی که در رسیدگی به هر نوع دعوی، ساز و کار مناسب داشته، موافق اقتضائات هر یک ساختار دادرسی متناسبی مستقر نماید، شهروند محور است. نظام دادرسی غیرجامع و سطحی مشوق زورمندان و ابزار توجیه عمل متخلفان و مامن صاحب منصبان قانون گریز شناخته می شود. در جمهوری اسلامی ایران، بند اول اصل ۱۵۸ قانون اساسی تکلیف رئیس قوه قضاییه را ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت های اصل ۱۵۶ مقرر نموده است. چنین تکلیفی به معنای ایجاد حقی برای عموم مردم ایران در برخورداری از نظام دادرسی مناسب جهت احقاق حقوقشان است. به همان اندازه که احقاق حقوق افراد به تشکیلات دادگستری وابسته باشد برای متصدی قوه قضائیه باید تکلیف قائل شد.^۱

داشتن نظام دادرسی عادلانه، از اهداف خاصه هر حکومتی است که در جهت رسیدن به اهداف عالی بشری تلاش می کند. امر دادرسی و قضاوت در هر نظامی جزء مهمترین ارکان می باشد و حفظ حقوق مراجعه کنندگان و افراد درگیر با آن از مهمترین مسائلی است که در آثار نویسندگان و روشنفکران می توان تجلی های متفاوتی از آن را دید.^۲ باید به این مسئله اشاره کرد که قضاء یا دادرسی در معنای عام آن محدوده قابل احصائی که در فکر متفکرین قرن هفده و هجده می گنجید ندارد. در حال حاضر، با توجه به تنوع سیستم های دادرسی در کشورها و ترتیبات دادرسی استاندارد در مسائل مرتبط با حق انسان ها، نگاه متفاوتی راجع به حقوق انسانی در رابطه با این مسئله مطرح است. باید گفت که قضاء امری کلی و فراگیر است که محدوده خاصی ندارد و در هر کجا که به آن نیاز باشد در امر دادرسی باید رعایت گردد. به همین اعتبار، لازم است جهت تامین حقوق حقه افراد نهادهای دادرسی ای را در مجموعه

^۱. سواد کوهی فرد، سام، مجموعه مقالات حقوق شهروندی، رابطه نظام دادرسی با حقوق شهروندی، انتشارات دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۹۴-۹۵.

^۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: منتسکیو، شارل دو، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهدی، کتاب یازدهم، فصل ششم به بعد.



یک کشور تدارک دید که هر کس در مقام دعوی یا مرافعه واقع شد و در امری از امور خصوصی و یا عمومی بین اشخاص اختلاف حاصل شد محلی برای رسیدگی به ادعای مدعی حقانیت وجود داشته باشد. مرجعی که پس از رسیدگی حکم کند ادعا صحیح و یا محکوم به رد می باشد.^۱

تحقق عدالت کیفی همواره در طول تاریخ، آرزوی انسان های عدالت خواه بوده و هست. بدون تردید، عدالت کیفی که هدف هر دادرسی است، بدون برقراری محاکمه منصفانه ای که در آن حقوق شهروندی و آزادی های متهم، محترم شمرده شود هرگز فرصت ظهور نخواهد داشت. از عوامل توسعه حقوق در عصر حاضر، مفاهیم و معیارهای شهروندی است. از این مفاهیم و معیارها که در اسناد بین المللی و منطقه ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته اند، به ویژه بر قوانین ملی مربوط به آیین دادرسی تاثیر آشکار داشته اند و بارزترین جنبه چنین تاثیری، حقوق شهروندی یا تضمین های حقوقی متهم در برابر مراجع انتظامی و قضایی است.^۲

۱. سوادکوهی فرد، سام، منبع پیشین، ص ۹۶.

۲. رضوی، محمد، خزایی، علی، حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم، فصل نامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره چهارم، ص ۸۷.

فصل اول

کلیات، بیان مفاهیم

جرم به همراه شکل گیری اولین جوامع و به دنبال جوامع و به دنبال تراحم منافع میان انسان ها پا به عرصه وجود نهاد و با ورودش حیات آدمیان و جوامع را به مخاطره انداخت. وجود پدیده مجرمانه در هر جامعه ای چون دیگر پدیده های اجتماعی ناشی از روابط افراد با یکدیگر است و چون انسان جزء جدایی ناپذیر زندگی اوست به نحوی که جرم پدیده ای بهنجار و بخشی از هر جامعه تلقی شده است،^۱ با وجود این تاریخ حقوق کیفری نشان می دهد که از قدیم الایام بشر در برابر جرائم سکوت نکرده و در قبال تجاوز به حریم آزادی ها و حقوق خویش واکنش نشان داده است.

از دیر باز جوامع انسانی حتی جوامع ابتدایی برای مقابله با جرم به ناچار از حربه ای استفاده کرده اند. این حربه از انتقام های پایان ناپذیر و خونین قبیله ای در اجتماعات بدوی تا مجازات های^۲ متمدن و پیشرفته امروزی دستخوش تغییر و تحولات بسیاری شده است. صرف نظر از

^۱ . این دیدگاه توسط امیل دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸) جامعه شناس فرانسوی ارائه شده است. (وایت ، راب وهینز، جرم شناسی ، علی سلیمی، چاپ اول، پژوهشکده حوزه و دانشگاه ، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸.)

^۲ . Punishment: مجازات پاستخی نکوهش کننده و ترساننده است که در مقابل افعال یا ترک افعالی ایجاد شده است تا مرتکب یا مرتکبان آن اعمال را تنبیه کند. پس مجازات نوعی ضمانت اجراست که در حقوق جزا چنین نامی می گیرد تا از ضمانت اجرای مدنی و اجتماعی تفکیک شود.



این تغییرات، آنچه از روزگاران کهن به عنوان یکی از دغدغه های اصلی در این حوزه محسوب می شود چگونگی توجیه عقلی و اخلاقی مجازات است.

اهداف مجازات ها دارای گستره وسیعی است که از انتقام به عنوان یکی از اهداف مجازات در جوامع غیر متمدن ابتدایی گرفته تا تحقق عدالت، بازدارندگی، بازپروری، ترمیم خسارات ناشی از جرم و ... را در بر می گیرد.^۱

آن چه از میان همه ی این اهداف، قدرت و سلطه ی خود را بر سایر توجیهات مجازات در طول تاریخ حفظ کرده است، اجرای عدالت است چرا که عدالت جویی در ردیف ویژگی های ذاتی انسان بوده و با سرشت او آمیخته است. در نگاه آدیان یکی از راه های برقراری عدالت در جامعه، اعمال مجازات بر مبنای استحقاق و سزاوار تحمیل مجازات می داند، چرا که او با انتخاب ناشایست نظم جامعه را مختل کرده است.

سزاهندگی که به عنوان اولین نقش مجازات شناخته می شود. در حقیقت کفاره ای است برای خطای ارتكابی توسط مجرم. در این دیدگاه بزهدکار باید احساس کند که مجازات، سزای عمل مجرمانه ی اوست و به عبارتی مکافات عمل نامشروعی است که از آن به عنوان خطای اخلاقی مجرم تعبیر می شود و اساس مسوولیت کیفری را تشکیل می دهد.

تحمیل مجازات به لحاظ خصایص ناخوشایند و نامطلوب آن چون تحمیل درد و رنج، سلب منافع بزهدکار،

محدود کردن آزادی وی و ... همواره نیازمند تبیین اغراض و اهدافش بوده است.

بدین ترتیب مهم ترین رسالت مجازات ها همانا اجرای عدالت بوده و هست. این مهم ممکن نیست مگر اینکه مجرم تاوان خود را پردازد و مکافات عملش را ببیند. از این رو توجیه اصلی و اولیه ی کیفر در دید همگان استحقاق است و کیفر رساندن تنها براساس جرم ارتكابی توجیه می شود.^۲

^۱ . وایت (راب) و هینز(فیونا) جرم و جرم شناسی، علی سلیمی، چاپ اول، پژوهشکده حوزه و دانشگاه ۱۳۸۳، ص ۱۴۸.

^۲ . نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱، ص ۵۱.



با این دید، ترازوی عدالت تنها هنگامی از نوسان می ایستد که مجرم برابر جرمی که انجام داده، از همان نوع کیفر ببیند، بدین سبب سزادهی و اندیشه های مجازات مبتنی بر استحقاق نزدیک ترین راه برای رسیدن به عدالت می باشند.^۱

مبحث اول: تعریف سرقت در حقوق ایران و مصر

در این مبحث به بررسی تعریف سرقت در لغت و اصطلاح می پردازیم

گفتار اول: سرقت در لغت

لفظ سرقت از ماده «سَرَقَ» به معنای «دزدیدن» است.^۲ و مصدر آن سرقه است و استراق سمع به معنای دزدانه گوش کردن، از همین کلمه ساخته شده است. سرقت در اصطلاح حقوق جزا در ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی سرقت چنین تعریف شده است: «ربودن مال دیگری به طور پنهانی». توضیح این تعریف تنها شامل سرقت حدی می شود، اما اگر به جای قید «به طور پنهانی» از قید «به طور متقلبانه» استفاده شود شامل سرقت حدی و تعزیری می شود که در این صورت سرقت یعنی «ربودن مال منقول متعلق به دیگری به طور متقلبانه»^۳ در فقه، تعریف مشخص از سرقت ارائه نشده است، ولی شرایط وجوب و اجرای حد سرقت بیان گردیده.^۴

سَرَقَت واژه ای عربی و مشتق از ماده سَرَق می باشد که سارق اسم فاعل و سرقت مصدر آن می باشد (سَرَق، یَسْرِق، سَرَقَه) و همواره پنهانی بودن و مخفی ماندن با معنی آن همراه و در

^۱ . مفهوم جرم (Crime)، برخوردار از سه مفهوم اخلاقی، اجتماعی، و قضائی است. معنای اخلاقی جرم یک عمل زیان آور و برخلاف اخلاق و عدالت، به گونه ای که «کانت» در همین راستا، جرم را به «تجاوز از حقوقی عمومی» تعریف می کند. معنای اجتماعی جرم نیز عبارت است از «نقض نظام اجتماعی و رفتاری که با ضوابط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه مغایرت داشته و وجدان عمومی را جریحه دار می کند»، لذا در این دیدگاه، جرم یعنی تضاد موجود بین عمل فرد و مصالح اجتماعی. اما با تمامی این اوصاف آنچه که از جرم مدنظر ماست، نه مفهوم اخلاقی جرم که مورد توجه «کانت» در مکتب عدالت مطلق است، و نه مفهوم اجتماعی آن، آن گونه که مورد توجه «امیل دورکیم» است، می باشد. بلکه مفهوم قضائی آن است. یعنی کنش های مخالف نظم اجتماعی که از جانب عضوی از اعضای جامعه سرزده و مضر به حال دیگران بوده و در قانون نیز برای آن مجازات تعیین شده است. (صالح ولیدی، محمد، حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، انتشارات دفتر نشر داد، ۱۳۷۳، صص ۸ تا ۱۱). لذا هم سو با این مطلب ماده ی ۲ ق.م.ا نیز، جرم را هر فعل یا ترک فعلی دانسته که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است.

^۲ . معلوف، لويس؛ المنجد، ترجمه مصطفی رحیمی اردستانی، تهران، صبا، ۱۳۸۰، ج دوم، ص ۴۶۸.

^۳ . ایمانی، عباس؛ فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، آریان، ۱۳۸۲، ج اول، ص ۲۹۱.

^۴ . نجفی، شیخ محمد حسن؛ جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ج دوم، ص ۱۴، ص ۴۷۶.



مفهوم آن مستتر است. به همین اعتبار است که وقتی در زبان عربی گفته می شود سرق الشی یعنی مخفی ماند، و زمانی که عرب می گوید مسروق الصوت خطاب به کسی است که صدایش گرفته باشد یعنی تن صدای وی ظاهر و رسا نیست و به عبارت دیگر بم است و بالاخره به نگاه پنهانی یا گوش دادن مخفی شخص گفته می شود تسرق النظر او تسرق السمع و اصطلاح رایج استراق سمع در فرهنگ حقوقی ما که به معنی دزدانه گوش دادن می باشد نیز از همین مقوله است و به همین جهت سارقه النظر یعنی مخفیانه یا دزدکی او را نگاه کرد و سارق النظر الیه یعنی منتظر فرصت ماند تا مخفیانه و دزدکی به او نگاه کند. بنابراین سرقت از نظر اصطلاح لغوی عبارت از ربایش چیز دیگری به طور پنهانی است.

گفتار دوم: سرقت در اصطلاح

سرقت به عنوان یکی از جرایم علیه اموال و مالکیت همواره به عنوان پدیده مجرمانه در نظام های کیفری ممنوع و قابل مجازات می باشد در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ قانونگذار در کتاب حدود در ماده ۱۹۷ این قانون، سرقت را این گونه تعریف کرده بود: سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی. اما قانونگذار سال ۱۳۹۲ قانون جدید مجازات اسلامی با حذف «به طور پنهانی» سرقت را در ماده ۲۶۷ این قانون بدین نحو تعریف کرده است: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است». بنابراین در حال حاضر این تعریف شامل انواع سرقت اعم از سرقت موجب حد و یا تعزیر می گردد از سوی دیگر قانونگذار اجرای کیفر حد سرقت درباره سارق را علاوه بر اهلیت سارق و چگونگی انجام سرقت و سایر شرایط مربوط به موضوع جرم یا مال مسروق را با پیروی از مبانی فقهی این جرم منوط به وجود و تحقق شرایطی نموده است.^۱ ماده ۳۱۱ قانون مجازات مصر مقرر می دارد: «هر کس مال منقول متعلق به دیگری را بر باید سارق محسوب می شود.» این تعریف قانون مجازات مصر از گستردگی که در تعریف سرقت در حقوق ایران وجود دارد برخوردار نمی باشد. و مهمترین ارکان آن منقول بودن و ربودن مال می باشد.

^۱ ولیدی، محمد صالح، شرح بایسته های قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۳۸۲.



مبحث دوم: اقسام سرقت در حقوق ایران و مصر

در این مبحث به بررسی برخی از اقسام سرقت پرداخته می شود.

گفتار اول: سرقت حدی در حقوق ایران و مصر

به موجب ماده ۲۶۸ قانون جدید مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ سرقت در صورتی که دارای

شرایط زیر باشد، موجب حد است:

- شی مسروق شرعا مالیت داشته باشد.
- مال مسروق در حرز باشد.
- سارق هتک حرز کرده باشد.
- هتک حرز و سرقت مخفیانه باشد.
- سارق پدری جد پدری صاحب مال نباشد.
- ارزش مال مسروق در زمان اخراج از حرز معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک باشد.
- مال مسروق از اموال دولتی یا عمومی، وقف عام یا وقف بر جهات معامله نباشد.
- سرقت در زمان قحطی صورت نگرفته باشد.
- صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کرده باشد.
- صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشیده باشد.
- مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد.
- مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید.
- مال مسروق از اموال سرقت شده و مغضوب نباشد.^۱

با توجه به تعریف عام سرقت در ماده ۲۶۷ قانون جدید مجازات اسلامی در حال حاضر ضابطه و معیار تشخیص سرقت موجب تعزیر از سرقت های موجب را باید بر اساس حکم ماده

^۱ ولیدی، محمدصالح، شرح بایسته های قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۳۸۳.



۲۷۴ این قانون توسط محاکم سنجیده شود، زیرا قانونگذار در این ماده صریحا اعلام نموده است سرقت در صورت فقدان هر یک از شرایط چهارده گانه مذکور در ماده ۲۶۸ این قانون حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است.

یکی از تغییرات به وجود آمده در مقایسه بین مندرجات ماده ۲۶۸ این قانون در مقابل نکات مذکور در ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی سابق این است که چون شرایط کلی مسئولیت کیفری مرتکب جرم در قانون جدید مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، این قانون خصوصیات سارق (از قبیل بلوغ، عقل، اراده و اختیار و قصد سارق) پیش بینی و ذکر شده است لذا مندرجات بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ که ناظر به شرایط چهار گانه مسئولیت کیفری سارق می باشد در ماده ۲۶۸ قانون جدید مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ حذف شده است. علاوه بر این بعضی دیگر از بندهای ۱۰ و ۳ و ۱۴ و ۱۵ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی سابق چون قانونگذار سال ۱۳۹۲ این موارد را به طور مستقل در مواد قانونی فصل مربوط به سرقت پیش بینی کرده است لذا این موارد نیز در ماده ۲۲۸ این قانون همانند ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی سابق ذکر نشده است.^۱ در قانون مجازات مصر تقسیم بندی از سرقت حدی و غیر حدی نیامده است تنها در برخی موارد احساس می شود میان حقوق ایران و مصر برخی تشابهات وجود دارد به طوری که ماده ۳۱۷ قانون مجازات مصر مقرر می دارد: «در موارد زیر مجازات مرتکب حبس با کار است.

اول: سرقت ارتكابی در یکی از اماکن مسکونی یا مهیا برای سکونت یا توابع و لواحق آنها بوده یا در یکی از اماکن آماده برای عبادت واقع شده باشد.

دوم: سرقت ارتكابی در مکانهای محرز و دیوار دار یا دارای پرچین از درخت یا بوته های سبز یا چوب خشک یا محدود به خندق واقع شده و فعل ارتكابی با هتک حرز از خارج یا بالا رفتن از دیوار یا با استفاده از کلیدهای ساختگی صورت گرفته باشد.

سوم: سرقت به وسیله شکستن مهرهای مذکور در باب هفتم از کتاب دوم واقع شده باشد.

^۱. همان.



چهارم: سرقت در شب واقع شده باشد.

پنجم: سرقت به وسیله دو نفر یا بیشتر واقع شده باشد.

ششم: نسخ گردیده.

هفتم: سرقت به وسیله مستخدم که مزد دریافت می کند و مال مخدود خود را دزدیده باشد، یا کودکان و یا کارگران صنعتی در کارخانه ها یا کارگران دکان هایی که در آن کار می کنند یا اماکن و محل هایی که معمولاً محل کاری بوده، صورت گرفته باشد.

هشتم: سرقت توسط افراد شاغل در حمل و نقل اشیاء وسیله گاری ها یا وسیله های نقلیه یا به وسیله چهارپایان بوده یا هر فرد دیگری که شغل و حرفه او حمل و نقل اشیاء است یا یکی از وابستگان به این کارها در صورتی که اموال مذکور به آنها سپرده شده باشد با وصف شرایط مقرر در موارد بالا.

نهم: سرقت در اثناء جنگ از شخص مجروح صورت گرفته باشد ولو از شخص مجروح که دشمن باشد.»

ماده ۳۱۸ قانون مجازات مصر مقرر می دارد: « اگر سرقت مقرون به شرایط و موارد تشدید مجازات که قبلاً بیان شده است نباشد مجازات مرتکب حبس با کار که بیشتر از دو سال نباشد، خواهد بود. »

مفهوم ماده ۳۱۷ نیز سرقت حدی را به ذهن القا می کند زیرا برخی از شرایط آن همانند سرقت حدی می باشد.

گفتار دوم: سرقت تعزیری در حقوق ایران و مصر

هرگاه فعل مجرمانه سرقت فاقد یکی از شرایط شانزده گانه فوق باشد، سرقت تعزیری نامیده می شود و انواع آن عبارتند از: سرقت تعزیری ساده و مشدد.

سرقت تعزیری از نوع مشدد (خاص): هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط مذکور در ذیل ماده (۶۵۱) باشد جزء سرقت های تعزیری از نوع مشدد محسوب می گردد. این شرایط عبارتند از:



- ۱- سرقت در شب واقع شده باشد.
 - ۲- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
 - ۳- یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشند.
 - ۴- از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت، خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشد.
 - ۵- در ضمن ق سرقت، کسی را آزار یا تهدید کرده باشد.
- ۲) سرقت تعزیری از نوع ساده (عادی): هرگاه به موجب ماده (۶۶۱) ق.م.ا سرقت مقرون به شرایط مذکور در ماده (۶۵۱) ق.م.ا نباشد، سرقت تعزیری از نوع ساده محسوب می گردد.
- ۴-۱-۳- حد سرقت به شرح زیر است:
- الف - در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند.
- ب - در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند.
- ج - در مرتبه سوم حبس ابد.
- د - در مرتبه چهارم اعدام، ولو سرقت در زندان باشد.
- ۲-۳- سرقت‌های موضوع مواد (۸۸) تا (۹۲) ق.م.ج.ن.م به دلیل اینکه اموال مذکور از اموال دولتی می باشد به موجب بند ۱۶ ماده (۱۹۸) ق.م.ا از نوع سرقت‌های تعزیری محسوب می شود. در حقوق مصر از سرقت تعزیری بحثی به میان نیامده است ولی از مجموع مواد مربوط به سرقت می شود فهمید که مجازات سرقت در این کشور تعزیری می باشد. ماده ۳۲۰ قانون مجازات مصر مقرر می دارد: « کسانی که به اتهام سرقت محکوم به حبس می شوند چنانچه مجددا مرتکب سرقت شوند باید برای حداقل یک سال و یا حداکثر دو سال تحت مراقبت پلیس قرار گیرند.



ماده ۳۲۱ قانون مجازات مصر مقرر می دارد: « مجازات شروع به سرقت های معینه در سرقت های جنحه ای، حبس با کار است که مدت آن بیشتر از نصف حداکثر مقرر در قانون برای آن جرم نباشد ولو اینکه جرم به طور تام واقع شده باشد. »

ماده ۳۲۱ مکرر قانون مجازات مصر مقرر می دارد: « هر کس چیزی یا حیوان گم شده ای را پیدا کند و در صورت امکان دسترسی به صاحبش، آن را به مالک آن مسترد نکند یا در ظرف مدت سه روز از پیدا کردن، آن را به کلانتری یا اداره اشیاء گمشده تحویل ندهد در صورتی که قصد مرتکب از عدم تحویل تملیک آن باشد به مجازات حبس با کار که مدت آن از دو سال بیشتر نباشد محکوم می گردد. »

چنانچه بعد از انقضای مدت مذکور بدون قصد تملک آن را نزد خود نگهداری کند به مجازات جزای نقدی که بیشتر از صدر جنیه نباشد محکوم می شود. »

ماده ۳۲۳ قانون مجازات مصر مقرر می دارد: « برداشت و تصرف در اموری که به وسیله مقامات قضایی یا اداری توقیف شده اند در حکم سرقت بوده ولو اینکه وسیله خود صاحب مال توقیف شده صورت گرفته باشد. احکام و موارد مذکور در ماده ۳۱۲ در باب عفو از مجازات شامل این گونه افراد نخواهد شد. »

گفتار سوم: سرقت ساده

که نحوه ارتکاب آن به صورت فردی عمل می شود یعنی فرد به تنهایی دست به سرقت می زند مانند کیف زنی- کف زنی- جیب زنی که اکثر مجرمان این دسته فقیران و حلبی آبادنشین هستند.

مجرمانی که به سرقت های بزرگ دست می زنند و به تنهایی وارد عمل نمی شوند بلکه به صورت دسته جمعی یا باندى عمل می کنند این مجرمان اغلب یک باند بزرگ را تشکیل می دهند و صاحب ثروت زیادی می شوند.^۱

۱. همان.



مبحث سوم: ارکان جرم سرقت

برای تحقق هر جرمی، وجود ارکان عمومی و عناصر اختصاصی لازم است که در کمیت و کیفیت آنها اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظر نتیجه اعتبارات مختلفی است که حقوقدانان برای تحقق جرم در نظر می‌گیرند. اگر جرم را صرفاً پدیده‌ای مادی بدانیم و فقط به نمود خارجی آن توجه کنیم، برای تحقق جرم، نفس رفتار انجام شده - صرف نظر از قصد مرتکب و اعلام نظر قانونگذار - کافی است؛ اما می‌دانیم پدیده‌های حقوقی، اموری اعتباری و نه امری واقعی و مادی هستند. جرم نیز مانند هر پدیده حقوقی دیگر، امری اعتباری است که برای تحقق آن با توجه به اعتبارات متفاوتی که در نظر گرفته شده، ارکان یا عناصر مختلفی لازم است. در این صورت، اگر در تعریف جرم، پیش‌بینی قانونگذار - یعنی جعل اعتبار از طرف قانونگذار - شرط تحقق جرم محسوب شود، رکن قانونی نیز به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده جرم محسوب خواهد شد و حکم قانون را نمی‌توان خارج از ماهیت اعتباری جرم دانست.

بر این اساس، در نظر مشهور حقوقدانان، در حقوق کیفری عمومی، برای تحقق هر جرمی وجود سه رکن لازم است که عبارتند از: رکن قانونی، رکن مادی و رکن روانی. علاوه بر آن در حقوق کیفری اختصاصی، برای تحقق هر جرمی علاوه بر ارکان عمومی جرم، شرایط و عناصر اختصاصی دیگری لازم است که به اقتضای ماهیت هر جرمی متفاوت است. در سرقت نیز ارکان سه‌گانه و عناصر اختصاصی برای تحقق جرم لازم است. در بررسی ارکان جرم سرقت بر اساس قانون مجازات اسلامی، باید توجه داشت برخی از شرایط مذکور در ماده ۱۹۸ ق.م.ا، مانند بلوغ و عقل و اختیار (بندهای ۱ تا ۳) مربوط به شرایط عمومی مسئولیت کیفری و برخی مانند اضطراب (بند ۱۰)، از علل موجهه جرمند که جای بررسی آنها در حقوق کیفری عمومی است؛ تعدادی هم مانند بندهای (۴ و ۵ و ۶) مربوط به عناصر رکن روانی است که اختصاص به سرقت مستوجب حد ندارد و در همه انواع سرقت جاری است.



گفتار اول: رکن قانونی

پدیده های حقوقی، از جمله جرم، امری اعتباری هستند که بر مبنای قانون شکل می گیرند. در نظام حقوقی کشورهای رومی ژرمنی، از جمله در حقوق ایران اعتبار قانونگذار، یعنی پیش بینی عنوان مجرمانه و مجازات آن، از ارکان ماهوی تشکیل دهنده جرم محسوب می شود و مانند ارکان مادی و معنوی برای تحقق جرم ضروری است.

یکی از اصول اولیه و مسلم حقوق جزا، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها می باشد و منظور از این اصل بطور خلاصه اینست که:

اولاً: هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن به این صفت شناخته شده باشد؛
دوماً: هیچ مجازاتی ممکن نیست مورد حکم قرار گیرد مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن برای همان جرم وضع شده باشد؛

سوماً: هیچ محکمه ای صالح برای رسیدگی به جرمی نیست مگر آنکه قانون، صلاحیت آن محکمه را برای رسیدگی به آن جرم شناخته باشد؛ چهارماً: هیچ حکمی از محکمه صالح علیه متهمی صادر نخواهد شد مگر پس از رسیدگی و محاکمه، آنهم در شرایط پیش بینی شده در قانون صورت گیرد. به نظر می رسد این اصل خود جزئی از اصل قانونی بودن حقوق جزا است و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ممکن است این توهم را بوجود آورد که این اصل فقط در حقوق جزای ماهوی مؤثر و در سایر قسمت ها از جمله آیین دادرسی کیفری تأثیری ندارد در حالیکه در آیین دادرسی کیفری هم اقدامات و رسیدگی ها و سایر موارد باید طبق مقررات و اصول قانونی باشد. در حال حاضر رکن قانونی بزه کلاهبرداری «ساده و نه مشدد و خاص» را ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ تشکیل می دهد هر چند که در خصوص کلاهبرداریهای مشدد یعنی مواردی را که مقنن بر حسب شرایط وقوع جرم یا موقعیت مرتکب مجازات را تشدید و یا اینکه اعمال کیفیات و عوامل قانونی مخففه و ارفاق آمیز را منع و یا محدود نموده است لازم است علاوه بر موارد منصوص این ماده قانونی نیز ملحوظ نظر واقع شود. اما به هر حال باید بدین نکته توجه داشت که در



مطالعه ارکان تشکیل دهنده هر جرم و از جمله رکن قانونی آن بهترین و در عین حال سهل ترین روش آن است که ساده ترین شکل از اشکال وقوع آن مورد امعان نظر واقع شود و با عنایت بدین امر ارکان و عناصر اضافی صور مشدده آن شناسایی گردد چنان که مثلاً از مقایسه ماده ۴ قانون مذکور با ماده ۱ همین قانون این توجه حاصل خواهد شد که تشکیل شبکه و نیز رهبری آن در امر کلاهبرداری به عنوان عنصر اضافی و رکن اختصاصی این بزه مشدد محسوب می شود.

لزوم رعایت اصل «قانونی بودن جرایم و مجازاتها» و اتکای آن به قاعده عقلی «قیح عقاب بلابیان» که رعایت آن با تعابیر مختلف و طی قرون متمادی حتی در حقوق روم قدیم هم سابقه داشته و از پایه های فکری حقوق مدرن در نظام اجتماعی و حقوقی معاصر است، چنان بدیهی است که ما را از اقامه دلیل بی نیاز می کند. در اصول ۳۶، ۳۷، ۱۶۶ و ۱۶۹ و بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز مواد ۲ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۱۴ ق.آ.د.د.ع.ا. در امور کیفری، اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها و نتایج حاصل از آن (عدم عطف قانون کیفری به گذشته) تفسیر مضیق قانون کیفری، پذیرفته شده که تفصیل آن در فرصت این بحث نیست.

با توجه به اصل ۴ قانون اساسی، ملاک قوه قانونگذاری در تدوین همه قوانین، از جمله قوانین مربوط به جرم انگاری، موازین اسلامی است.^۱

سرقت بر حسب نوع و میزان کیفر به سرقت مستوجب حد و سرقت های مستلزم تعزیر قابل تقسیم است.

سرقت مستوجب حد: سرقت در صورتی موجب ثبوت حد می شود که دارای کلیه شرایط و خصوصیات ذکر شده در ماده ۱۹۷ ق.م. باشد و الا، سرقت مستوجب تعزیر می باشد به موجب اصل ۲۲ ق.ا. اموال اشخاص مصون از تعرض است. اصل قانونی بودن جرم و مجازات اقتضا دارد که قانونگذار عناوین مجرمانه و میزان مجازات آنها را به طور شفاف و

۱. حبیب زاده، محمد جعفر، منبع پیشین، ص ۳۷.



روشن اعلام کند، تا شهروندان رفتار اجتماعی خود را با قانون تنظیم کنند. از جمله در قانون مجازات اسلامی و مقررات متفرقه دیگر، سرقت به عنوان جرم پیش بینی و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. با توجه به بحث پیشینه تاریخی، عناصر تشکیل دهنده رکن قانونی سرقت به شرح زیر است:

۱. مواد ۱۹۷ تا ۲۰۳ ذیل عنوان «حد سرقت»، در باب هشتم از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰)
۲. مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ در فصل بیست و یکم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵).
۳. ماده ۱۸۵ ق.م.ا. در باب هفتم از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰).
۴. مواد ۵۴۴ تا ۵۴۵ در فصل ششم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵).
۵. ماده ۵۵۹، در فصل ششم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵).
۶. مواد ۶۸۳ و ۶۸۴ در فصل بیست و پنجم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵).
۷. مواد ۸۸ تا ۹۲ در فصل هشتم قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۸۲).
۸. ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص می شوند (مصوب ۱۳۳۳).
۹. ماده واحده قانون مجازات سرقت مسلحانه از بانکها و صرافیهها (۱۳۳۸).
۱۰. قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف (۱۳۳۵).^۱

گفتار دوم: رکن مادی

حقوق جزا متضمن اصولی است حاکم بر رفتار انسان ها و توأم با تضمین‌هایی که حافظ جامعه بشری است. حقوق جزا پندار نکوهیده و قصد سوء را تا زمانی که ماداً به منصفه بروز و ظهور نرسیده است به مجازات نمی‌رساند. بنابراین شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء با ارتکاب عمل خاصی دست کم به مرحله فعلیت برسد.

۱. همان.



برخی بر این عقیده اند که عنصر مادی جرم تنها شامل رفتاری که از مرتکب سر می‌زند نیست،^۱ بلکه باید گفت که عنصر مادی جرم دارای سه جزء می‌باشد که عبارتند از: رفتار فیزیکی (اعم از فعل و ترک فعل)، اوضاع و احوال و شرایط (اعم از سلبی و ایجابی) و نهایتاً وقوع یک نتیجه خاص در جرایم مقید.^۲

البته در باب ساختار مادی جرم اختلاف نظر وجود دارد، گاهی رکن مادی جرم را عبارت از یک عمل مثبت یا یک عمل منفی دانسته اند.^۳ بعضی از اساتید معتقدند رکن مادی جرم در حقیقت و ماهیت عمل ضد اجتماعی است.^۴ از نظر برخی دیگر واژه «مادی» در مقابل «معنوی» قرار دارد و هر آنچه که از شمول فعل و انفعال ذهنی مرتکب خارج شود در چهارچوب رکن مادی جرم قابل بررسی است.^۵ با ارائه تعریف و توضیح مختصر در خصوص عنصر مادی جرایم، باید گفت که در ذیل بحث عنصر مادی، مباحث عدیده‌ای مطرح می‌شود که به طور مستقیم و غیر مستقیم با این موضوع ارتباط دارد. به عنوان مثال، وقتی مجرمی تمامی عناصر و اجزاء رکن مادی را تکمیل می‌کند و به عبارت دیگر عنصر مادی یک جرم را کامل می‌کند؛ مسیری را برای این کار طی می‌کند که حقوقدانان از آن به عنوان مسیر فعل مجرمانه یاد می‌کنند. اما در طی این مسیر ممکن است به دلایلی مجرم در نیمه راه متوقف شود یا، علی‌رغم به پایان آوردن راه مجرمانه، نتواند به مقصود خود برسد و جرمی که قصد ارتکاب آن را داشته انجام نشود. لذا برای احراز آنکه مجرم تا چه مقدار از راه را پیموده است تا بتوان مجازات او را به تناسب جرم انجام یافته تعیین کرد دقیقاً باید این مسیر بررسی شود.

۱. دکتر محمد علی اردبیلی از جمله حقوقدانانی است که بر این عقیده می‌باشد. رک: محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۰۸ تا ۲۱۶.

۲. حسین میرمحمد صادقی، پیشین، ص ۲۳ تا ۲۵.

۳. استغفانی و دیگران، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، ج اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۱۳۷۷، ص ۳۱۰.

۴. باهری، محمد، جزوه حقوق جزای عمومی، فصل سوم، رکن مادی، بی تا، بی نا، به نقل از آقای نی، جرایم علیه اشخاص (جنایات)، انتشارات میزان، ص ۲۴.

۵. آقای نی، پیشین، ص ۲۴.



مراحل مختلف این مسیر عبارتند از: قصد مجرمانه، عملیات مقدماتی، شروع به جرم و جرم تام. اما همچنان که اشاره شد، گاه پیش می‌آید که مجرم تمام مسیر را طی ولی به مقصود خود نمی‌رسد و جرم تام اتفاق نمی‌افتد، هرچند بزهدار از مراحل مختلف قصد، عملیات مقدماتی، و شروع به جرم گذشته است. در این موارد اصولاً می‌گویند یا جرم عقیم مانده و یا وقوع جرم محال بوده است. این دو موضوع نیز به دلیل همجواری با مطالب دیگر در این قسمت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.^۱

از طرف دیگر وقتی فردی با ارتکاب فعل یا ترک فعلی با وجود تمامی شرایط لازم قانوناً مجرم و مستحق مجازات شناخته می‌شود این سؤال مطرح می‌شود که آیا مشارالیه به تنهایی جرم را انجام داده و یا با همکاری دیگران به ارتکاب جرم پرداخته است. به عبارت دیگر اگر نسبت انسان را با عنصر مادی جرم بسنجیم، بزهدار مسلماً کسی است که جرم را مادئاً مرتکب شده و یا به اجرای آن مبادرت ورزیده است و یا در آن شرکت یافته است. در اصطلاح حقوقی در فرض اول او را فاعل یا مباشر جرم می‌نامند. در کنار فاعل مادی، حقوق کیفری کسی را هم که در اجرای افعال مادی جرم مداخله نداشته ولی به نحوی وقوع آن را تسهیل کرده و یا وسائل ارتکاب جرم را فراهم ساخته بزهدار و به عنوان معاون می‌شناسد. لذا در ذیل بحث از عنصر مادی جرم، مباحثی چون، مشارکت و معاونت در آن نیز به میان می‌آید.^۲

مرتکب جرم شخصی است که فعلی مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار انجام داده است.^۳ به عبارت دیگر انجام فعل یا ترک فعل مجرمانه موجب تولد جرم می‌شود.^۴ در وهله اول این مسأله باید روشن شود که شخص مجرم چه عملی انجام داده است تا بتوان آن را منطبق با قانون جرم شناخت. بدیهی است کلمه مرتکب یا بزهدار را باید در مفهوم وسیع آن اعم از فاعل، شریک و معاون بکار برد.

۱. نوربها، رضا، پیشین، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۲. اردبیلی، محمد علی، منبع پیشین، ص ۲۶

۳. اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۱۹

۴. نوربها، رضا، پیشین، ص ۱۸۱



در سرقت، رکن مادی را باید فعل سارق دانست که اقدام به دزدی می کند به عبارت دیگر رکن مادی سرقت شامل فعل و افعالی می شود که سارق به آن دست می زند.

عنصر مادی جرم سرقت را فعل مادی مثبت تشکیل داده که معادل قاپیدن، کش رفتن، برداشتن، گرفتن و مانند اینهاست. چهار رکن در عنصر مادی بزه سرقت وجود دارد.^۱

رکن اول: ربودن رکن اصلی سرقت در حقوق ایران ربایش است که بدون تحقق آن عنصر مادی جرم سرقت به وقوع نخواهد پیوست.^۲ ربودن عملی متقابله بدون رضایت مالک است که لازمه اش نقل مکان دادن مالی از محلی به محل دیگر و نتیجه اش خارج نمودن مال از حیطه مالکانه صاحب مال باشد.^۳

بنابراین سرقت از نظر حقوق ایران تنها در مورد اموال منقول که قابلیت نقل و انتقال و در نتیجه ربوده شدن را دارند، مصداق پیدا می کند.^۴ لازمه ربودن این است که شخص سارق مخفیانه یا علناً ولی با غافلگیری ساختن صاحب مال بدون توجه و بر خلاف میل و رضایت او مبادرت به تصرف مال دیگری نماید.^۵

نکته:

بنظر می رسد که در حقوق ایران، صرف رضایت ظاهری مالک مال در دادن مال خود به دیگری موجب عدم تحقق عنصر ربایش نشود، بنابراین کسیکه با تهدید کردن به وسیله اسلحه مال دیگری را گرفته می گریزد و یا مالی را به بهانه دیدن از مغازه دار گرفته و فرار می کند، از نظر قانون ایران مرتکب عمل ربایش و در نتیجه سرقت می شود.^۶ در هر حال فقدان این جزء (ربودن) مانع تحقق جرم سرقت است، لذا اگر شخصی از روی علم چیزی را به دیگری بدهد

۱. یزدانیان، محمد رضا؛ سرقت مستوجب حد، مجله دادرسی، شماره ۱۹، ص ۳۸.

۲. میر محمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اموال و مالکیت) تهران، میزان، ۱۳۸۳، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۲۰۵.

۳. یزدانیان، محمد رضا؛ منبع پیشین، ص ۳۸.

۴. میر محمد صادقی، حسین؛ منبع پیشین، ص ۲۰۵.

۵. گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی، تهران، ماجد، ۱۳۸۳، ج ۸، چاپ اول، ج ۱، ص ۴۳۷.

۶. میر محمد صادقی، حسین؛ منبع پیشین، ص ۲۰۶.



٣٥. نجفی، شیخ محمد حسن؛ جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج دوم، ج
١٤، ١٣٦٣.
٣٦. ابوعامر، محمد زکی، الاجرائات الاجنائیه، منشورات الحلبي الحقوقیه، چاپ اول، ٢٠١٠.
٣٧. محمود نجیب حسنی، شرح قانون الاجرائات الاجنائیه، چاپ دوم، ١٩٨٨.